

پالایش فضای مجازی؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی

محسن اسماعیلی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

محمدصادق نصراللهی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۶

چکیده

یکی از اقدامات سیاستی سلبی در سطح حاکمیت‌های ملی در جهت سالم‌سازی فضای مجازی، «پالایش فضای مجازی» است. در کشور ما، ایران نیز این اقدام در دستور کار جدی است و هر از گاهی شاهد خبرساز شدن آن و به راه افتادن گفت‌وگوهای موافق و مخالف آن در جامعه هستیم. این مقاله دارای دو سؤال است: ۱- پالایش فضای مجازی از نظر فقهی چه حکمی دارد؟ (حکم‌شناسی) و ۲- اجرای پالایش مجازی، چه مسائل و مشکلات مستحشده‌ای دارد؟ (مسئله‌شناسی)

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیده که پالایش فضای مجازی بر اساس «وجوب نهی از منکر» و «حرمت تعامل با کتب ضلال»، می‌تواند یک فعل واجب تلقی گردد. بر اساس این حکم فقهی، ۸ مسئله مهم فقهی مرتبط با اجرای پالایش مطرح شده است. مهم‌ترین یافته‌های به‌دست‌آمده عبارت‌اند از: ۱- قدر متقین محتوای پالایش‌شده، «گمراه‌کننده یقینی» است. ۲- عامل و بازیگر پالایش هم حاکمیت است و هم مردم. ۳- هشدار دادن و ارتقای سواد رسانه‌ای به‌عنوان نهی قولی از منکر لازمه اعمال پالایش به‌عنوان نهی فعلی از منکر است. ۴- از باب حرمت تجسس، باید پالایش در سمت ارتباط‌گران و نه ارتباط‌گیران اعمال شود. ۵- خودپالایشی و دیگرپالایشی هر دو مورد تأکید شرع است. ۶- پالایش محتوای مجرمانه بر مسدودسازی تارنما و شبکه اجتماعی اولویت دارد. ۷- مخاطب محوری در کنار محتواگرایی اصل مهمی در پالایش است که ما را به سمت پالایش رده‌بندی‌شده رهنمون می‌کند. ۸- اصل برائت، توصیه به پالایش مبتنی بر فهرست سیاه دارد. ۹- از نظر موضوع‌شناسی فقهی، اصل بر پایش ماشینی است و پایش انسانی عندالاضطرار و با حفظ شرایط است.

واژگان کلیدی

پالایش، فیلترینگ، فضای مجازی، اینترنت، نهی از منکر، کتب ضلال، پیام گمراه‌گر، ممیزی

Esmaili1344@ut.ac.ir

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

M.nasrollahi@isu.ac.ir

مقدمه

امروزه، پالایش یا فیلترینگ فضای مجازی، به‌عنوان یک اقدام سلبی سیاستی در جهت سالم‌سازی و مطلوب‌سازی فضای مجازی در دستور کار حاکمیت‌ها قرار گرفته است. تسری و شمول این اقدام آن‌چنان است که در عصر حاضر کمتر کشوری را می‌توان سراغ گرفت که مطلقاً از فیلترینگ استفاده ننماید. آنچه که کشورها را در این جهت متمایز می‌کند، نه اصل پالایش بلکه نوع محتوای پالایش‌شده و شیوه پالایش آن است.

اگرچه اصل پالایش از نظر عقلی مورد تأیید است و در بیشتر کشورهای جهان به کار گرفته می‌شود اما با توجه به اینکه یک فعل حاکمیتی است، کمتر از نظر شرعی و فقهی مورد توجه قرار گرفته است. این نظرگاه به‌ویژه در کشور ایران به‌عنوان یک کشور اسلامی که اداره آن مبتنی بر فقه امامیه است، اهمیت مضاعف می‌یابد. همچنین در عرصه عملیاتی، این فرایند با چالش‌های فراوانی روبه‌روست که باید از نظر فقهی تحلیل و بررسی شود.

این مقاله بر آن است که اولاً وضعیت فقهی پالایش فضای مجازی را مشخص نماید و تعیین کند که این مقوله از چه حکمی از احکام خمسۀ تکلیفیه برخوردار است؟ ثانیاً در عرصه اجرا و عملیات، چه مسائل و مشکلاتی از جنس مستحدثه دارد؟ در خصوص بخش دوم، آنچه اهمیت دارد، طرح مسائل و مشکلات مبتلابه است و احصای این مسائل و تحلیل آن‌ها را دارای آن‌چنان خلأی می‌داند که پرداختن به آن نوعی نوآوری تلقی می‌شود.

بر این اساس، با روش تحلیلی-توصیفی، ابتدا تحت عنوان «چارچوب مفهومی»، دو اصطلاح کلیدی «ماهیت و مسئله‌شناسی فقهی» و «پالایش فضای مجازی» تبیین می‌شود. سپس تحت عنوان «ماهیت فقهی پالایش»، ادله و وجوب پالایش فضای مجازی مطرح می‌شود. در نهایت نیز در بخش «مسئله‌شناسی فقهی پالایش»، مسائل و چالش‌های فقهی بیان می‌گردد.

۱. چارچوب مفهومی

نگاهی به‌عنوان این مقاله نشان می‌دهد که با دو اصطلاح کلیدی مواجه هستیم: ۱- ماهیت و مسائل فقهی ۲- پالایش فضای مجازی. اینکه در ابتدای یک پژوهش به واژگان کلیدی آن پرداخته شود چند مزیت بلکه ضرورت دارد: اول آنکه ذهنیت پژوهشگر نسبت به موضوع و مسئله پژوهش روشن‌تر و واضح‌تر می‌شود و حرکت علمی او را هدفمندتر می‌کند. دوم آنکه

با توجه به فضای چندمعنایی حاکم بر واژگان در محیط‌های علمی، نگارنده به مخاطب خویش نشان می‌دهد که چه معنایی را لحاظ کرده است و از سوء تفاهم‌های احتمالی پیشگیری می‌کند. بر همین اساس، در این مقاله دو اصطلاح مذکور در این بخش تبیین می‌شود.

۱-۱. حکم و چالش‌های فقهی

علم فقه از یک طرف، علم تعیین‌کننده چارچوب‌های اسلامی فعل و عمل مکلفان است؛ به بیان دیگر، موضوع علم فقه فعل انسان و متعلق آن است. در واقع، مجتهد تلاش می‌کند که موضع اسلام را در قبال افعال مختلف انسانی از منابع دینی استنباط کند. از طرف دیگر، پالایش فضای مجازی نیز یک فعل اجتماعی و حاکمیتی در جامعه اسلامی است؛ بنابراین بذاته موضوع علم فقه است. منظور مقاله از حکم و مسئله‌شناسی فقهی دو موضوع است: در بخش بررسی حکم به دنبال آن هستیم که موضع فقه اسلامی را در قبال فیلترینگ بررسی کنیم؛ به بیان دیگر، در پی پاسخ به این سؤال هستیم که از بین احکام خمس، حکم پالایش فضای مجازی چیست؟ پس از روشن شدن ماهیت فقهی پالایش فضای مجازی، در بخش مسئله‌شناسی، این سؤال مطرح می‌شود که در حوزه اجرا و عملیاتی کردن این فعل حاکمیتی با چه مسائل و چالش‌هایی مواجه هستیم. بررسی این مسائل و چالش‌ها، آن چیزی است که تحت عنوان مسئله‌شناسی فقهی دنبال می‌شود.

۲-۱. پالایش فضای مجازی

این اصطلاح از دو کلیدواژه «پالایش» و «فضای مجازی» تشکیل شده است. ابتدا به مفهوم‌شناسی پالایش پرداخته و سپس به معنای فضای مجازی می‌پردازیم.

۱-۲-۱. پالایش

واژه «پالایش»، معادل فارسی واژه «فیلترینگ»^۱ در نظر گرفته شده است. واژه «فیلتر» در لغت‌نامه‌های زبان انگلیسی، در دو جایگاه اسمی و فعلی آمده است. فیلتر به‌عنوان اسم نوعاً به وسیله‌ای برای تصفیه مایعات و گازها از ناخالصی‌ها گفته می‌شود. در کنار این معنای غالبی، از وسیله‌ای برای کنترل نور، صدا و ... نیز سخن به میان آمده است. آنچه که برخی لغت‌نامه‌ها به

آن اشاره دارند که به معنای اصطلاحی ما نیز نزدیک می‌شود، فیلتر به‌عنوان برنامه‌ای برای تصفیه کردن اطلاعات و محدود کردن انتقال آن است. در مجموع، درون‌مایه معنایی فیلتر در جایگاه اسمی آن، وسیله تصفیه کردن، ابزار محدود کردن عبور هر چیز، حذف کردن مواد ناخواسته و ... است. فیلتر در واقع همان چیزی است که در زندگی روزمره ما تحت عنوان صافی شناخته می‌شود (شکرخواه، ۱۳۷۰، ص ۴۴) و اجازه می‌دهد که ما بر اساس اندازه گره‌های صافی، مایعاتی مانند آب و شربت را از مواد ناخالص آن بزدایم و آن را تمیزتر و خالص‌تر کنیم. برای فیلتر به این معنا می‌توان معادل فارسی مناسب «پالایه» را برگزید.

اما معنای فعلی فیلتر نیز جدا از معنای اسمی آن نیست. اگر فیلتر اسمی ناظر به ابزار تصفیه و ممانعت است، فیلتر به‌عنوان فعل ناظر به عمل تصفیه کردن و ممانعت کردن است (Mopris, 1982, p.492; Summer, 2008, pp.592-593; Wehmeier, 2005, pp.573-574). طبیعی

است که فیلترینگ به‌عنوان مصدر، به معنای «تصفیه و ممانعت» است.

نقطه شروع منظور اصطلاحی این مقاله از واژه پالایش (فیلترینگ)، معنانشناسی رایج آن در «علوم رایانه‌ای» و «فناوری اطلاعات» است؛ زیرا این دانش، علم مادر به‌کاربرنده آن در حوزه فضای مجازی و فناوری اطلاعات است. نکته ابتدایی قابل اشاره اینکه معنای اصطلاحی رایانه‌ای پالایش از معنای لغوی آن دور نیست و درون‌مایه تصفیه کردن در آن نیز ملحوظ است. در واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تعریف پالایش اطلاعات چنین آمده است: «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات ناخواسته در یک مسیر اطلاعاتی» است. از این تعریف چند نکته قابل استنتاج است: یک. پالایش از جنس سلب، ممانعت، محدودیت و نفی است و جنبه ایجابی ندارد؛ دو. این سلب و جلوگیری نسبت به اطلاعات ناخواسته اعمال می‌شود. اصطلاح داده یا اطلاعات ناخواسته، ناظر به نیت، هدف و غرض پالایش‌کننده است؛ یعنی او ملاک‌ها و معیارهایی دارد که بر اساس آن اجازه نمی‌دهد اطلاعاتی عبور کند. پس فیلترینگ امر صرفاً فنی نیست بلکه غرض نیروی انسانی در آن لحاظ شده است و سه. طبق این تعریف، پالایش در مسیر جابه‌جایی اطلاعات است. همان چیزی که در علم ارتباطات به نام «مجرا»^۲ شناخته می‌شود.^۳

برخی تعاریف اصطلاحی علم رایانه، پالایش و فیلترینگ را به دو معنای عام و خاص به کار برده‌اند. معنای عام فیلترینگ عبارت است از: فناوری‌هایی که از دستیابی به انواع خاص

اطلاعات یا بسته‌های ویژه‌ای از محتوای اینترنتی در دسترس، جلوگیری به عمل می‌آورد؛ اما تعریف خاص فیلترینگ عبارت است از جلوگیری از دسترسی به اطلاعات بر مبنای محتوای اطلاعات و نه آدرس سایت (Greenfield & Rickwood & Tran, 2001, p.5) که این معنای خاص از فیلترینگ بیشتر در مقابل واژه «بلوک کردن»^۴ به کار می‌رود. طبق این تفکیک، ما سایت را بلوک می‌کنیم و محتوا را پالایش و فیلتر. پس هنگامی که دسترسی به کل یک سایت ممنوع شده است، در اصطلاح گفته می‌شود سایت بلوک شده و در صورتی که بخشی از محتوای آن ممنوع شده باشد، فیلتر شده است. نکات قابل برداشت از تعریف، غیر از تفکیک مذکور، عبارت‌اند از: یک. اصل فیلترینگ یک امر فنی است؛ دو. فیلترینگ بر خلاف تعریف پیشین در مرحله دسترسی به اطلاعات و نه در مرحله انتقال، تولید و ارسال اجرا می‌شود. این بدان معناست که فیلترینگ نسبت به ارتباط‌گیر و گیرنده اعمال می‌شود. بر این اساس اطلاعات به صورت کلی در جریان است، به محض درخواست دریافت محتوایی خاص از سوی کاربر و ارتباط‌گیر، فیلترینگ اعمال می‌شود و سه. فیلترینگ ناظر به اطلاعاتی است که در بستر اینترنت است و نه شبکه‌های دیگر.

اگر بخواهیم تعریف نهایی اصطلاحی مرسوم و موجودی ارائه کنیم، باید گفت که پالایش عبارت است از: «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی». در این تعریف، دو واژه ساختارگونه و هدفمند را داریم که واژه ساختار بیشتر به جنبه سخت‌افزاری و نهادی فیلترینگ اشاره دارد؛ یعنی فیلترینگ توسط یک نهاد و ساختار مشخص اعمال می‌شود. کما اینکه در ایران این کار توسط کارگروه تعیین مصادیق انجام می‌شود. در کنار این واژه، هدف‌دار را داریم که ناظر به جنبه نرم‌افزاری فیلترینگ است. به این معنا که فیلترینگ بر اساس یک یا چند هدف انجام می‌شود. این اهداف در واقع نظام ارزشی ما در تعیین محتواهایی تحت عنوان محتوای مجرمانه است پالایش می‌شوند.

۲-۲-۱. فضای مجازی

فضای مجازی در لغت، واژه فضای مجازی - که برای آن معادل فارسی زیبا و مناسب «رایاسپهر» نیز به کار رفته (بل، ۱۳۹۰) - متشکل از دو واژه «فضا»^۵ و «مجازی»^۶ است.^۷ فضا

به «یک محوطهٔ بسیط، آزاد، خالی و در دسترس» گویند. مجازی یا سایبری نیز به «رایانه‌های و شبکه‌های رایانه‌ای» اطلاق می‌شود. شاید از منظر لغوی، ترکیب فضای مجازی ما را به این معنا رهنمون می‌کند که فضایی آزاد، خالی و در دسترس است که توسط شبکهٔ رایانه‌ای (رایانه‌های بهم متصل) ایجاد می‌شود.

اما در حوزهٔ اصطلاحی «فضای مجازی» با تعاریف مختلف و گوناگونی مواجهیم. مروری بر تعاریف، چند مؤلفه را در مفهوم فرهنگی-ارتباطی فضای مجازی برجسته می‌کند. اولین مؤلفه، «وجود ارتباطات اجتماعی» در تمامی سطوح آن از میان‌فردی و میان‌گروهی گرفته تا جمعی و بین‌المللی است (Bell, 2004, pp.50-51). با تأکید بر این مؤلفه، در تعریف فضای مجازی می‌نویسد: «فضای مجازی در واقع یک «فضای عمومی» است که در آن اشخاص می‌توانند یکدیگر را ملاقات کنند، ایده‌ها را ردوبدل کنند، اطلاعات را به اشتراک بگذارند، از یکدیگر حمایت اجتماعی کنند، تجارت داشته باشند، رسانهٔ هنرمندانه خلق کنند، بازی کنند و خود را درگیر مباحثات سیاسی کنند. این چنین تعاملاتی احتیاجی به حضور جسمی و فیزیکی مشترک ندارد؛ بلکه به وسیلهٔ به هم پیوستگی میلیون‌ها انسان از سراسر جهان از طریق پست‌الکترونیک و اتاق‌های گفتگو شناخته می‌شود»؛ در واقع، از نگاه دیوید بل فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب دادوستد بیت ردوبدل می‌کنند (Bell, 2004) به نقل از شاه‌قاسمی، (۱۳۸۵).

دومین مؤلفه‌ای که در تعریف فضای مجازی مورد تأکید تعاریف است، نقش واسطه‌ای رایانه‌ها و رایانه‌ها در ایجاد این فضای ارتباطی است. این مؤلفه همان چیزی است که تحت عنوان «ارتباطات رایانه-واسطه»^۱ یا «سی‌ام‌سی» شناخته می‌شود. رید گلد در تعریف خویش، هم به این مؤلفه و هم به مؤلفهٔ پیشین چنین می‌پردازد: «در فضای مجازی ما چت و بحث می‌کنیم، به بحث‌های روشنفکرانه مشغول می‌شویم، کارها و تجارتان را انجام می‌دهیم، دانشمان را معاوضه می‌کنیم، در حمایت‌های عاطفی سهیم می‌شویم، گیم‌ها و متاگیم‌ها را بازی می‌کنیم و ... ما همهٔ کارهایی را که وقتی افراد هنگام با هم بودن انجام می‌دهند، با هم انجام می‌دهیم، اما ما این کارها را با کلمات روی صفحه رایانه انجام می‌دهیم، بدن‌هایمان را در پشت رایانه ترک می‌کنیم... هویتان را به هم می‌آمیزیم و به صورت الکترونیکی به تعامل

می‌پردازیم، مستقل از موقعیت زمانی و مکانی» (رید گلد، ۱۹۹۴، ص ۵۸ نقل در افراسیابی، ۱۳۹۰، ص ۴۹). برخی تنها بر مؤلفه دوم تأکید دارند: «فضای مجازی، جهان‌ها و دامنه‌هایی را گویند که به وسیله فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی ایجاد می‌شود. مجموعه‌ای از روابط و کنش‌ها در محیط الکترونیک» (Nayar, 2010a, p.1).

سومین مؤلفه مفهومی فضای مجازی، «غیرفیزیکی و غیرجسمی» یا «تخیلی بودن»^۹ این فضای ارتباطی رایانه- واسط است (فضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۷)؛ همان چیزی که هویت و تمایز این فضا را با فضای واقعی و فیزیکی نشان می‌دهد. اینجاست که دنیای مجازی در کنار دنیای واقعی و هم‌تراز با آن و شاید در مقابل آن به‌عنوان یک رقیب و هم‌ورد قد علم می‌کند. به‌عنوان نمونه، بل (۱۳۹۰، ص ۲۴) فضای مجازی را چنین تعریف می‌کند: «استعاره‌ای برای فضای تخیلی در، بر و میان «وسایل رایانه‌ای» است» (بل، ۱۳۹۰، ص ۲۴). توانی نیز (Tavani, 2007, p.38) فضای مجازی را یک «مکان مجازی»^{۱۰} و ویمر (Wehmeier, 2005, p.308) یک «مکان خیالی»^{۱۱} می‌دانند.

چهارمین مؤلفه در مفهوم‌شناسی فضای مجازی، «بستر دیجیتال» این فضا است. همان‌طور که عاملی (۱۳۹۰، ص ۲۴) اولین ویژگی فضای مجازی را دیجیتالی بودن آن می‌داند و مهدی‌زاده (۱۳۸۹، ص ۳۰۲)، دیجیتال شدن را اساسی‌ترین جنبه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌داند، به نظر می‌رسد این مقوله به‌عنوان زیرساخت ارتباطات اجتماعی رایانه واسط، جای بحث و بررسی بیشتری دارد. تعاریف مختلفی از «دیجیتال شدن»^{۱۲} ارائه شده است؛ از جمله اینکه «دیجیتال شدن، از منظر ریاضی به معنای تبدیل تمامی اشکال اطلاعات (ویدئو، تصاویر، صدا، متن، مکالمات، بازی‌ها) به شکل دودویی (صفر و یکی) است» (Kung & Picard & Towse 2008, p.3). در واقع، کاری که رایانه به‌عنوان پردازنده انجام می‌دهد، تبدیل و ترجمه پیام‌های فیزیکی ما به پیام‌های دو-دویی و رقمی است. از همین جهت است که برخی مفهوم دیجیتال شدن را به رسانه دیجیتال پیوند زده‌اند و نوشته‌اند: «الکترونیکی یا دیجیتالی شدن، فرایندی است که انسان از طریق ابزارها، فنون و رسانه‌های دیجیتالی مانند شبکه اینترنت و رایانه به تولید، تکثیر، اشاعه و انتشار نمادها و معانی می‌پردازد و از طریق آن‌ها زندگی خود را سامان و معنا می‌بخشد» (فاضلی، ۱۳۸۵، ص ۲۹)؛ اما رسانه دیجیتال چیست؟ «رسانه دیجیتال (رقمی) نقطه مقابل آنالوگ (قیاسی) است. رسانه الکترونیک با یک سری کد یا

رمزهای پنهانی کار می‌کند. امروزه محاسبات بر اساس روش عددی دودویی پی‌ریزی شده است، بدین ترتیب منابع دیجیتال به وسیله کیفیت‌های مجزا از (صفر و یک) که نماینده داده‌های قراردادی‌اند، قابل شناسایی هستند» (فریدونی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۴).

پنجمین مؤلفه نیز که بیشتر رنگ و بوی ارتباطی دارد، «تعاملی بودن» فضای مجازی است. ارتباطات اجتماعی در فضای مجازی، صرفاً یک‌سویه، عمودی و یک‌طرفه نیست بلکه می‌تواند دوسویه، افقی، دوطرفه بلکه چندطرفه و در یک کلام تعاملی است. اساساً آنچه که اینترنت را به‌عنوان یک رسانه و البته مصداق مهم فضای مجازی از رسانه‌های پیشین آن متمایز و ممتاز می‌کند، تعاملی بودن آن است. همان‌طور که رافائلی (Rafaeli, 1988, p.110) می‌گوید: «تعامل، مفهومی چندبعدی است» که تعاریف گسترده‌ای برای آن ارائه شده است. در برخی از این تعاریف، «بازخورد»^{۱۳} (پس‌فرست) به‌عنوان نشانه کلیدی تعامل در نظر گرفته شده است؛ یعنی اگر مخاطب یا کاربر بتواند جواب پیام نفر اول یا رسانه را بدهد، ویژگی تعامل وجود خواهد داشت. در برخی دیگر از تعاریف، بر میزان کنترلی که کاربر می‌تواند بر جریان اطلاعات داشته باشد و میزان درگیری‌اش در تبادل پیام تأکید شده است. ویلیامز از این ویژگی تعبیر به درجه کنترل طرف دیگر ارتباط در یک گفتگوی دوجانبه می‌کند. استیور، تعامل را گستره‌ای می‌داند که کاربر در آن می‌تواند در تغییر شکل و محتوای «محیط واسط»^{۱۴} در زمان واقعی مشارکت کند. هاو جیمز نیز آن را گستره‌ای می‌داند که در آن ارتباط‌گر و مخاطب به نیازهای ارتباطی هم واکنش نشان می‌دهند یا قصد دارند آن را تسهیل کنند (کوثری و شاه‌قاسمی، ۱۳۸۸، صص ۴-۵).

در یک جمع‌بندی از مؤلفه‌های مطرح‌شده، شاید بتوان این تعریف از فضای مجازی را ارائه کرد که فضای مجازی، قلمرو و محیطی غیرفیزیکی و تخیلی از ارتباطات اجتماعی تعاملی است که از طریق رایانه‌های به هم متصل بر بستر دیجیتال شکل می‌گیرد.

۲. حکم فقهی پالایش

اولین و اساسی‌ترین سؤال آن است که از منظر فقه اسلامی، پالایش فضای مجازی چه حکمی دارد؟ به بیان دیگر، جلوگیری از انتقال پیام ممنوعه در فضای مجازی چه حکمی از احکام خمس را دارد؟ آیا واجب است؟ مستحب است؟ مباح است؟ مکروه است؟ حرام است؟

منابع استنباط فقهی نشان می‌دهد که اصل پالایش فضای مجازی در فقه اسلامی، «واجب» است. این حکم وجوبی با استناد به حداقل دو عنوان شرعی ذیل قابل اثبات است:

۲-۱. وجوب نهی از منکر

نهی از منکر در کنار امر به معروف از والاترین و شریف‌ترین واجبات هستند. دلیل این جایگاه، نقشی است که این دو در برپایی واجبات و اجتناب از محرمات دیگر دارند. اهمیت این دو تا بدانجاست که وجوب آن‌ها از ضروریات دین برشمرده شده، به طوری که منکر آن دو در صورت توجه به لازمه انکار و ملزم شدن به آن از کفار خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۵).

آیات و روایات فراوانی در وجوب نهی از منکر آمده است از آن جمله، این آیه شریفه است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴)؛ «و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند.» یا این آیه شریفه که: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰)؛ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمن‌اند و [لی] بیشترشان نافرمان‌اند». در روایتی نیز از امام رضا (ع) نقل شده که: «إِذَا تَرَكَتْ أُمَّتِي الْأُمَّرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيُؤَدِّنْ بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ» (مجلسی، ج ۹۷، ص ۷۸)؛ «رسول خدا (ص) چنین بود که بارها می‌فرمود: وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را واگذارند، پس با خدا اعلان جنگ نمایند».

در این واجب الهی، تحقق امر و نهی موضوعیت دارد، به طوری که «بیان کردن حکم شرعی یا بیان کردن مفسد ترک نمودن واجب و انجام دادن حرام، در ساقط شدن واجب کفایت نمی‌کند؛ مگر آنکه عرفاً از بیان آن‌ها و لو با قرائن، امر و یا نهی فهمیده شود یا مقصود از امر و نهی که انجام واجب و ترک منکر است، با بیان آن‌ها حاصل شود» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹).

نهی از منکر مراتبی دارد: یک. نهی قلبی: آشکار کردن ناراحتی قلبی از منکر مانند روی برگرداندن؛ دو. نهی زبانی: نهی از منکر از طریق زبان و گفتار و سه. نهی جبری: اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را به‌جا نمی‌آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است لکن باید از قدر لازم تجاوز نکند (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۷۴).

حال سؤال مهم و اساسی آن است که پالایش فضای مجازی چه ارتباطی با نهی از منکر دارد؟ به بیان دیگر، آیا پالایش ذیل عنوان نهی از منکر صدق می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که پالایش به‌عنوان «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی» و همچنین به‌عنوان یک «تدبیر پیش‌گیرانه وضعی» در جهت سالم‌سازی فضای مجازی از محتوای حرام، بخشی از «نهی جبری» به حساب می‌آید. با توجه به آنکه بخشی از محتوای مجرمانه، حرام است، با پالایش، دسترسی کاربران را به این محتوای حرام مسدود می‌کنیم و عملاً امکان دسترسی به حرام را که خود منکر است، جبراً منتفی می‌کنیم؛ بنابراین پالایش را به‌عنوان نهی از منکر در مرتبه جبری قابل شناسایی است. این دو مسئله شرعی، این تطبیق را روشن‌تر می‌کند: یک. «اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر حبس نمودن معصیت‌کار در محلی یا منع نمودن از آن به محلی که وارد شود، واجب است با مراعات مقدار لازم و تجاوز نمودن از آن» (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۷۸) و دو. اگر برایش ممکن است که بین او و منکر حائل شود، در صورتی که جلوگیری این‌چنینی، محذور کمتری از غیر آن داشته باشد، واجب است به آن اکتفا نماید» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۱۷). همان‌طور که در این دو بیان مشاهده می‌شود، حبس معصیت‌کار یا حائل شدن بین او و منکر از مصادیق نهی از منکر جبری است. حال اگر این مثال در فضای فیزیکی را به فضای مجازی تسری دهیم، پالایش عملاً مانع حرکت مجازی معصیت‌کار به سمت فضاهای دارای محتوای حرام بوده یا اینکه بین کاربر درخواست‌کننده محتوای حرام و خود محتوا حائل شده و مانع از انتقال محتوا می‌شود.

۲-۲. حرمت تعامل با^{۱۵} کتب ضلال

عنوان شرعی دیگری که امکان انطباق پالایش با آن وجود دارد، بحث کتب ضلال و حرمت حفظ و نسخ و ... آن‌هاست. «در مورد اصل حکم حفظ کتب ضلال و ... و دیگر اموری که

موجب انتقال ضلال و گمراهی است، تقریباً میان دانشمندان اجماع و اتفاق نظر وجود دارد». در این مبحث، کتب ضلال موضوع، حرمت حکم آن و مواردی همچون تولید، استنساخ، تعلیم، انتشار، خرید و فروش، استیجار و ... متعلق حکم است (نجفی، بی تا، ج ۲۲، ص ۵۶ و قانع، ۱۳۹۱، صص ۳۰-۳۲).

در اینجا چندین سؤال جدی، مطرح است:

سؤال اول آن است که منظور از ضلال، صرف باطل بودن است یا علاوه بر بطلان، خاصیت گمراه‌کنندگی نیز باید داشته باشد؟ به بیان دیگر آیا ضلال، بطلانی است که انحراف فکری و عملی به دنبال دارد یا صرف ناحق بودن کافی است؟ بیان دقیق‌تر ناظر به آن است که حرمت از باب بطلان است یا از باب به انحراف کشاندن دیگری؟

سؤال دوم به این اشاره دارد که به فرض لزوم وجود خاصیت گمراه‌کنندگی علاوه بر بطلان در صدق عنوان ضلال، آیا این گمراهی نسبت به بینش افراد است یا شامل گرایش و کنش آن‌ها نیز می‌شود؟ یک زمان پیام ضلال، باعث شبهه فکری می‌شود و یک زمان باعث ایجاد میل به گناه، آیا دایره انحراف حداکثری نسبت به سه ساحت وجودی انسان تعریف می‌شود یا صرفاً ناظر به بعد بینشی اوست؟

سؤال سوم نیز آن است که آیا عنوان کتاب در اینجا موضوعیت دارد یا نه مقوله ضلالت فارغ از شکل و ابزار آن تعریف می‌شود و مهم محتواست؟

در پاسخ به این سؤالات که بیشتر ناظر به محتوای پالایش از باب ضلال بودن آن محتواست، باید گفت که از نظر لغوی به معنای گمراهی، گم شدن، هلاک شدن، فراموشی و ... آمده است. از نظر قرآن کریم، ضلالت مقابل حق و هدایت است (قانع، ۱۳۹۱، صص ۴۳ و ۵۶). از منظر فقهی، آراء درباره چستی ضلال متعدد است. قانع (۱۳۹۱، ص ۷۶) پس از بررسی این آراء، در یک رویکرد حداکثری نتیجه می‌گیرد که منظور از ضلال، مشتمل بودن بر مطالب ضد حق و مقابل رشاد است که طبیعتاً به اظلال و گمراهی منجر خواهد شد؛ بنابراین هر چه مخالف حق و مخالف ثابت‌شده‌های دین باشد، ضلالت است. در مقابل برخی از فقهاء دایره ضلال را محدود به مضل بودن و گمراه‌کننده بودن و نه صرفاً گمراه بودن آن می‌دانند؛ از جمله آیت‌الله خوئی بر این باور است که ضلال محتوایی است که هم به قصد گمراه کردن باشد و هم در عمل گمراه بکند (خوئی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۲۶). شیخ انصاری

صریح‌تر بیان می‌دارد که اگر مطلبی به هدف اضلال آماده شده ولی مضل نیست، مشمول حرمت نمی‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۳۶).

همچنین لفظ کتب در اینجا، منحصر در کتاب نیست و می‌تواند هرگونه وسیله انتقال پیام اعم از مقبره، مدرسه، فیلم، سینما، روزنامه، اطلاعیه، نوار، تلویزیون، ماهواره، کامپیوتر را نیز شامل شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۴۲ و قانع، ۱۳۹۱، ص ۷۶).

در ادله حرمت حفظ کتب ضاله و ... بر آیات و روایات مختلفی از جمله:

✓ «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان: ۶)؛ بعضی از مردم خریدار گفتار بازیچه هستند تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را مسخره می‌گیرند، آنان عذابی خفت‌آور دارند.

✓ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (حج: ۳۰)

✓ «و لما رواه فی تحف العقول و رساله المحکم و المتشابه للسید عن الصادق (علیه السلام): و کل منهی عنه مما یتقرب به لغير الله و یقوی به الکفر و الشکر من جمیع وجوه المعاصی او باب یوهن به الحق فهو حرام بیعه و شراؤه و امساکه و ملکه و هبته و عاریته و جمیع التقلب فیہ الا فی حال تدعوا الضرورة فیہ الی ذلک... و ینجبر ضعفها بالعمل»؛ در روایتی در تحف العقول و رساله محکم و متشابه سید مرتضی (ره) از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: (و حرام است) هر موردی که نهی شده و به وسیله آن غیر خدا و کفر و شرک تقویت می‌شود و یا هر رامی و هر مطلبی که حق در آن سبک شمرده شده است. خرید و فروش، نگهداری، بخشش، عاریه و هر فعالیتی پیرامون آن حرام است، مگر آنکه انجام آن اضطرار داشته باشد... ضعف سندی حدیث با عمل فقها جبران می‌شود (محقق نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۵۷).

در کنار ادله نقلی، عقل و اجماع نیز به عنوان دلایل حرمت حفظ و نسخ کتب ضلال مطرح شده است (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۳۳؛ برای مطالعه بیشتر رک. قانع، ۱۳۹۱).

اصل و جوب پالایش از این استدلال ناشی می‌شود که لازمه حرمت حفظ و ... کتب ضاله، وجوب امحای آن است؛ به بیان دیگر، اگر حرمت تولید، ذخیره و انتشار و ... پیام گمراه‌کننده را طبق ادله کتب ضلال بپذیریم، آنگاه پالایش به عنوان وسیله‌ای جهت اجتناب از ذخیره و انتشار پیام گمراه‌کننده و تحقق این حکم الهی واجب می‌شود.

۳. مسئله‌شناسی

۳-۱. محتوای پالایش

با توجه به دو حکم وجوب نهی از منکر و حرمت حفظ و انتشار کتب ضلال، هر محتوایی که منکر تلقی شود یا مضر و گمراه‌کننده باشد، مشمول پالایش خواهد بود. در تبیین منکر، آن را درجه اول آن دانسته‌اند که عقلاً قبیح یا شرعاً حرام باشد که نهی از آن واجب می‌شود. در درجه دوم، مکروه دانسته شده که نهی از آن نیز مستحب است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۷). نکته حائز اهمیت آن است که اگر منکر بودن یک چیز بین فقهاء مورد اختلاف باشد و احتمال داده شود که نظر فاعل آن کار یا تارک آن و یا تقلیدش مخالف او باشد و آنچه را که وی انجام می‌دهد نزد خودش جایز است، امر و نهی او واجب نیست، بلکه انکار او جایز نیست تا چه رسد به اینکه چنین چیزی دانسته شود (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۹۳)؛ مگر آنکه حرمت محتوا از جهت امور حاکمیتی و بنا به حکم فقیه حاکم بوده باشد که در این صورت به رأی فقیه حاکم عمل می‌شود.

مضله بودن یک پیام نیز دوران دارد بین آن که صرفاً باطل باشد یا علاوه بر بطلان، خاصیت گمراه‌کنندگی داشته باشد. طبیعتاً اگر دایره ضلال را بطلان بگیریم به مراتب وسیع‌تر از زمانی است که آن را دارای خاصیت به انحراف کشاندن بدانیم. این مسئله‌ای است که نیاز به پژوهش‌های تفصیلی دارد و قاطعانه نمی‌توان در مورد آن نظر داد. قدر متقین آن است که محتوای گمراه‌کننده و نه گمراه باید پالایش شود.

۳-۲. عامل پالایش

سؤال دیگری که در مقوله شیوه پالایش مهم موضوعیت دارد، این است که چه کسی یا کسانی مسئولیت پالایش فضای مجازی از محتوای منکر و ضاله را به عهده دارند؟ اگر وجوب پالایش از باب نهی از منکر باشد، نوع وجوب آن کفایی است. کفایی بودن نهی از منکر بدان معناست که اگر «من به الکفایة» قیام به امر به معروف و نهی از منکر نماید، از دیگران ساقط می‌شود. وگرنه، همه در صورتی که شرایط وجوب جمع باشد، ترک واجب نموده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۷). در همین جهت، شرط اول وجوب نهی از منکر، «علم به منکر» است. امرکننده و نهی‌کننده باید بدانند که آنچه را که شخص مکلف ترک کرده یا انجام

داده معروف یا منکر است، پس بر کسی که معروف و منکر را نمی‌شناسد، واجب نیست و علم در اینجا مانند استطاعت در حج، شرط وجوب است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۹۱). در همین جا این توصیه شده است که «سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر، در امر و نهی و مراتب انکارش مانند پزشک معالج مهربان و پدر با شفقت که مراعات مصلحت مرتکب را می‌نماید، باشد و انکارش لطف و رحمت برای او خصوصاً و برای امت عموماً باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۲۱).

در بحث کتب ضلال، با توجه به آنکه متعلق حکم عام است و اعم از تولید، توزیع، حفظ و ذخیره و ... است، در هر مرحله‌ای از این موارد امحاء و جلوگیری از پیام گمراهی لازم است. لذا عامل پالایش می‌تواند در هر مرحله‌ای متفاوت باشد. مثلاً در مقام تولید و انتشار پیام، خود ارتباط‌گر یا ارائه‌دهنده خدمات میزبانی مسئولیت دارد. در مقام، انتقال پیام، خدمات‌دهنده دسترسی وظایفی دارد و در مقام ارتباط‌گیر، خود فرد ارتباط‌گیر یا والدینش یا کارفرمایش، همه و همه مسئولیت دارند.

اما مسئله‌ای که در اینجا به شکل ویژه‌ای مطرح است ناظر به دوگانه حاکمیت - مردم یا دولت - ملت است. سؤال آن است که در مقوله پالایش صرفاً حاکمیت وظیفه دارد یا صرفاً مردم یا هردو؟ به نظر می‌رسد که چه طبق دلیل نهی از منکر و چه طبق دلیل کتب ضلال، حکم به وجوب به پالایش هم ناظر به حاکمیت است و هم ناظر به مردم. بر اساس دلیل نهی از منکر، «من به الکفایة» موضوعیت دارد یعنی همه مسئول‌اند تا آنجا که کفایت کند. یعنی اگر به قدر کفایت اقدام نکنند، همه معاقب می‌شوند. همین مسئله نیز به دلیل عام بودن متعلق حکم کتب ضلال مطرح است. در کنار این دو استدلال، آیات و روایات عام دیگری نیز وجود دارد که دلالت بر مسئولیت اجتماعی همه مردم نسبت به خود و دیگران دارد. در همین زمینه، می‌توان به این آیه شریفه اشاره کرد که: «فلینظر الإنسان إلی طعامه» (عبس: ۲۴). ظاهر آیه می‌رساند که انسان باید توجه داشته باشد که چه چیزی می‌نوشد یا می‌خورد؛ اما با استناد به برخی روایات می‌توان گفت که طعام در اینجا به معنای «علم و دانش» است و آیه بدان اشاره دارد که انسان باید ببیند که علم و دانش را از چه کسی می‌گیرد و یک فرایند خودنظارتی را در پیامی که دریافت می‌کند، داشته باشد (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۵). مشهورترین روایت در این زمینه، این فرمایش رسول اعظم (ص) است که می‌فرمایند: «ألا کلکم راعٍ و کلکم مسئول

عن رعیت» که دلالت بر آن دارند که همه مردم نسبت به هم مسئولیت دارند. در همین زمینه در اصل هشتم قانون اساسی چنین آمده است که: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت». در این اصل نیز امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی می‌داند؛ بنابراین هم مردم و هم دولت در این زمینه مسئولیت دارند.

۳-۳. رعایت مراتب نهی از منکر

نکته مهمی که در بحث مراتب وجود دارد، رعایت ترتیب آنان است، به طوری که «جایز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود» (نجفی، بی تا، ج ۲۱، ص ۳۷۸)؛ به بیان دیگر، «در صورت احتمال تأثیر و رفع منکر، واجب است که به مرتبه اول که ذکر شد، اکتفاء شود؛ همچنین در همان مرتبه اول واجب است به درجه ضعیف‌تر اکتفا گردد و اگر اثر نکرد به درجه ضعیف‌تر بعدی منتقل شود» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۱۱). طبق این بیان، دو مرتبه نهی قلبی و زبانی، بر نهی جبری اولویت دارد. در موضوع بحث ما نیز این سلسله مراتب امری لازم است و به عنوان یک امر سیاستی مهم باید مدنظر قرار گیرد. بر این اساس، پالایش به عنوان نهی جبری، متأخر از نهی قلبی و زبانی است. امروزه، شیوه‌هایی از پالایش وجود دارد که مبتنی بر چند مرحله مقدماتی هشدار است و در صورت عدم توجه کاربر به هشدارها، اقدام به پالایش می‌کند. این مسئله‌ای است که نظام پالایش موجود ما در ایران مورد توجه قرار نمی‌گیرد. همچنین سیاست‌هایی که تحت عنوان «سواد رسانه‌ای» مطرح می‌شود می‌تواند به عنوان نهی از منکر زبانی، مقدم بر پالایش مطرح باشد و به عنوان یک سیاست شرعی «جواز پالایش به عنوان نهی جبری از منکر منوط به تحقق ارتقای سواد رسانه‌ای به کاربران یا اعلام هشدار به آنان پیش از پالایش به عنوان نهی زبانی از منکر است».

۳-۴. احتمال تأثیر و پالایش گریزی

بحث بعدی مهم، «احتمال تأثیر» به عنوان یکی از شروط وجوب نهی از منکر است. «شرط وجوب نهی از منکر آن است که احتمال تأثیر بدهد. پس اگر بداند یا اطمینان پیدا کند که تأثیر ندارد، واجب نمی‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۵)؛ بنابراین در پالایش نیز به این

اعتبار، شرط احتمال تأثیر لازم است. حال سؤال مهم آن است که با توجه به گستردگی استفاده از پالایش‌گریزها، وضعیت شرط احتمال تأثیر چگونه است؟ آیا تأثیر همچنان محتمل است؟ به نظر می‌رسد همچنان مقوله پالایش نسبت به کاربران مبتدی مؤثر است و تأثیری در کاهش دسترسی به محتوای حرام دارد. با توجه به این مسئله شرعی که «اگر بداند و احتمال دهد که امر یا نهی در کم کردن معصیت مؤثر است نه در ریشه‌کن کردن آن، واجب است» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۹۷). پالایش اگرچه با وجود پالایش‌گریزها، کارایی اش کاهش یافته است، اما همچنان نسبت به کاربران مبتدی و همچنین اجتناب از دسترسی ناخواسته به محتوای حرام مؤثر است. این نکته بر اساس قاعده فقهی «ما لایدرکه کله لایترک کله» نیز که ریشه عقلی و شرعی دارد، مؤید این مطلب است.

۳-۵. پالایش و وهن شریعت

مسئله دیگری که در اینجا مطرح است، حکم نهی از منکر در جایی است که موجب وهن شریعت می‌شود یا موجب ضرر جانی، آبرویی و مالی می‌شود. در احکام شرعی چنین آمده است که: «اگر در جایی امر یا نهی نسبت به بعضی موجب وهن شریعت مقدس و لو نزد غیر او باشد، جایز نیست. خصوصاً آنجایی که صرفاً احتمال تأثیر می‌رود. مگر اینکه مورد، از موارد بااهمیت باشد و البته موارد فرق دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۵). یا در جای دیگر داریم: «اگر بداند یا گمان کند که انکار او موجب ضرر جانی، آبرویی و یا مالی که مورد توجه است، بر او یا بر یکی از مربوطان او مانند خویشان، یاران و همراهانشان می‌شود، انکار واجب نیست و از او ساقط می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۰۳). حال این سؤال مطرح است که اگر پالایشی با شیوه ناکارآمد موجب وهن شریعت شود یا آبروی نظام اسلامی را پایمال کند، حکم چنین پالایشی چیست؟ در اینجا پاسخ قطعی به این سؤال داده نمی‌شود، اما خوب است به این نکته نیز توجه شود که «اگر معروف و منکر از چیزهایی باشد که شارع مقدس به آن اهمیت می‌دهد مانند حفظ جان قبیله‌ای از مسلمین یا از بین بردن آثار اسلام و محو دلیل حقانیت اسلام، به طوری که موجب گمراهی مسلمین شود و ... هر ضرری اگرچه ضرر جانی باشد یا حرج، موجب رفع تکلیف نمی‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۰۵)؛ به دیگر سخن، اگر فضای مجازی، با تمام منافع و مزیت‌هایش، فضایی جهت خدشه وارد کردن

به اصول اسلامی باشد، به بهانه ضرر آبرویی یا وهن به شریعت، نمی‌توان دست روی دست گذاشت و منفعل عمل کرد. ضمن آنکه در نهایت باید آن را از موارد تراحم احکام به شمار آورد که اهم بر مهم مقدم داشته می‌شود.

۳-۶. حرمت تعامل با کتب ضلال: خود-فیلترینگ یا دیگر-فیلترینگ؟

البته در اینجا سؤال دیگر و خوب از خود دلیل حرمت حفظ کتب ضلال قابل استنتاج است یا از جهت نهی از منکر که در اینجا منکر حفظ پیام ضلال است، استنباط می‌شود؟ این سؤال را به گونه‌ای دیگر می‌توان مطرح کرد که از بین بردن و امحای پیام ضلال باید توسط خود ارتباط‌گر یا ارتباط‌گیر از جهت حرمت حفظ کتب ضلال و انتشار آن صورت پذیرد یا باید از جهت نهی از منکر جبری توسط دیگری در مجرای پیام صورت گیرد؟ این تفکیک از جهت موضوع‌شناسی پالایش اهمیت دارد، طبق ادله کتب ضلال، سیاست پالایش به سمت خودپالایشی در ارتباط‌گیر یا پالایش در مبدأ یا ارتباط‌گر مانند پاک کردن اطلاعات همراه‌کننده توسط خدمات‌دهندگان میزبانی سوق داده می‌شود؛ اما طبق دلیل نهی از منکر، خدمات‌دهندگان دسترسی می‌توانند از انتقال پیام همراه‌کننده در مجرا و مسیر جلوگیری به عمل آورند و این شقی از پالایش است که بیشتر اتفاق می‌افتد.

۳-۷. پایش پیشینی و تجسس

یکی از مسائلی که در پالایش مطرح است، تراحم پایش پیشینی به‌عنوان تجسس با نهی از منکر است. همان‌طور که می‌دانیم، لازمه پالایش، پایش و رصد درخواست‌های کاربران است و به نظر می‌رسد این پایش می‌تواند مصداق تجسس قرار گیرد.^{۱۶} حال این سؤال مطرح می‌شود که در چنین موقعیتی که بین حرمت تجسس و وجوب نهی از منکر تراحم رخ داده، تکلیف چیست؟ چنین گفته‌اند که «اگر تأثیر امر یا نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجبی باشد، چنین نهی و امری جایز نیست و وجوب ساقط می‌شود، مگر آنکه آن‌چنان مهم باشد که شارع به تخلف از آن هر طوری که باشد راضی نباشد، مانند قتل نفس محترمه و آنچه این امر و نهی به آن توقف دارد به این درجه از اهمیت نباشد. پس اگر جلوگیری از قتل نفس محترمه متوقف بر وارد شدن به خانه غضبی و مانند آن باشد، واجب است (امام خمینی،

۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۹۷). همچنین در جای دیگری بیان شده که «اگر جلوگیری از منکر متوقف بر داخل شدن به خانه یا ملک او و تصرف در اموال او مانند فرش و رختخوابش باشد، در صورتی که منکر از امور مهمی باشد که مولا در حال راضی به خلاف آن نیست، مثل قتل نفس محترمه جایز است، در غیر این گونه مورد، اشکال است؛ اگرچه بعضی از مراتب آن در بعضی از منکرات، بعید نیست (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۳۱۸-۳۱۹). بر اساس این حکم شرعی، اگر پالایش و اثر برآمده از آن که سلامت فضای مجازی است، اهم و اولی بر تجسس باشد، در اینجا ترجیح داده می‌شود و حرمت تجسس نافذ نیست.

۳-۸. مسدودسازی تارنما یا فیلترینگ محتوا؟

در نظام‌های پالایشی دو رویکرد وجود دارد؟ رویکرد اول: مسدودسازی^{۱۷} کل یک تارنما یا وبگاه است. رویکرد دوم، فیلترینگ یا پالایش تنها بخشی از تارنماست که دارای محتوای مجرمانه است. این مسئله به‌ویژه در مورد شبکه‌های اجتماعی موضوعیت دارد. گاهی کل شبکه اجتماعی مسدود می‌شود، مانند آنچه در مورد فیس‌بوک، توئیتر یا وی‌چت با نظر کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه رخ داده است؛ اما گاهی ممکن است تنها یک گروه یا کانال خاص از شبکه اجتماعی یا یک زیرنام دامنه که متضمن محتوای مجرمانه است و نه کل نام دامنه پالایش شود. حال سؤال مهم و اساسی آن است که از منظر فقهی، مسدودسازی کلی تارنما صحیح است یا پالایش (فیلترینگ) جزئی محتوا؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که فقها در بحث کتب ضلال، تصریح داشته‌اند که تنها بخشی از کتب ضلال که متضمن محتوای ضاله است، مشمول حکم حرمت حفظ و نسخ می‌شود و مابقی کتاب که دارای محتوای خنثی یا مفید است، موضوعاً خارج از این عنوان است. در این زمینه در جواهر الکلام آمده است که اگر بخشی از مطلب مضلّه باشد، مراجعه به سایر بخش‌ها حرام نیست (نجفی، بی تا، ج ۲۲، ص ۵۷) و همچنین در کتاب مکاسب بیان شده است که اگر بخشی ضلال بود، نابود کردن همه آن لازم نیست (شیخ انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۳۷). بر اساس، چنین استنادی می‌توان گفت که در مقوله پالایش آنچه از منظر فقهی صحیح است، فیلترینگ محتواست؛ یعنی تا آنجا که می‌شود باید نظام پالایش از دقت

بالا تری برخوردار شود که تنها آن بخشی از شبکه اجتماعی یا آن قسمتی از یک تارنما را پالایش کند که دارای محتوای منکر یا گمراه‌گر است.

۳-۹. محتوا محوری یا مخاطب محوری در صدق عنوان منکر و ضلال

یک مسئله مهم که می‌تواند منشأ تحول در شیوه پالایش باشد، ناظر به مطلق‌گرایی یا نسبی‌گرایی در تحقق عنوان منکر و ضلال است. این دو گانه ویژه در مقایسه این دو عنوان نسبت به مکلفان قابل بحث است. سؤال آن است که یک امر منکر یا ضال برای همه افراد منکر و ضال است یا بسته به مورد می‌تواند متفاوت باشد؟ به بیان دیگر، در صدق عنوان منکر یا ضال، فرد عامل منکر یا فرد نگاه‌دارنده پیام گمراه موضوعیت دارد؟ همان‌طور که گفته شده است «مضلل بودن یک کتاب نسبت به افراد مختلف، متفاوت است، اما معیار حکم ما یک انسان با فطرت سالم است، اگرچه مسئله نسبت حکم در متعلقات حکم نیز جاری است» (قانع، ۱۳۹۱، ص ۷۷). طبق این بیان، به واسطه حالت عادی و عرفی قضیه می‌توان قدر متقینی از اطلاق منکر و ضلال نسبت به تمامی افراد در نظر گرفت و در پالایش نیز یک نوع پالایش سراسری و یکپارچه در سطح ملی یا بین‌المللی اعمال کرد و از دسترسی همه اجتناب ورزید؛ اما با توجه به تخصصی شدن علوم، یک محدوده‌ای از دسترسی به محتوا بسته به درخواست‌کننده آن و با توجه به توانمندی‌ها (ظرفیت‌ها) و نیازهای اول می‌تواند متفاوت باشد؛ برای مثال یک دانشجو یا استاد اورولوژی با توجه به حوزه تخصصی خویش و نیازش به یادگیری و به تبع نیاز جامعه به تخصص او، لازم است به محتوایی دست یابد که نه تنها اشکالی در دسترسی او به آن وجود ندارد و منکر و ضال برای او به حساب نمی‌آید بلکه بر جامعه اسلامی فرض است که چنین امکانی را فراهم کند. مثال بهتر این حوزه، ناظر به بحث کودکان است. برخی محتواهاست که دسترسی به آن به همان میزان که برای یک کودک نابالغ مضر است و منکر و ضلال به حساب می‌آید، برای یک زوج در شرف ازدواج لازم و ضروری است؛ بنابراین با توجه به وجود نسبت صدق عنوان منکر و ضلال در مقایسه با کاربران، علی‌رغم وجود قدر متقینی ثابت برای همه، پالایش نیز باید ناظر به رده‌بندی کاربران باشد. در همین زمینه برخی فقها معتقدند که حرمت کتاب ضلال برای کسی که قادر به نقد آن است موضوعیت نداشته و نگهداری جهت نقد

مطالب مظلّم برای فرد ناقد اشکالی ندارد (نجفی، بی تا، ج ۲۲، ص ۵۹ و شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۳۷ و مکارم شیرازی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۴۳).

۳-۱۰. یکسان انگاری ارتباط گیران در پالایش: ظلم یا عدل؟

با توجه به مبحث پیشین، این سؤال به وجود می آید که وجود مساوات در پالایش و اجرای یکسان، یکپارچه و سراسری پالایش برای همه کاربران و بدون توجه به نیازها و توانمندی های آنها، خلاف عدالت عمل شده است و نوعی ظلم به حساب می آید یا نه؟ این مسئله به ویژه از این جهت که اصل اولیه آزادی دسترسی افراد به اطلاعات است (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳)، مورد مناقشه جدی تر است.

۳-۱۱. پالایش مصداق مشکوک و اصالة البرائة

این طور نیست که همیشه در نظام های پالایش، نیروی رصدکننده که اینجا منظور بیشتر انسان است و نه ماشین، به نتیجه قطعی نسبت به منکر بودن یا ضلال بودن یا در ساحت حقوقی، مجرمانه بودن یک محتوا برسد. سؤال در اینجا آن است که وظیفه نیروی رصدکننده در قبال مصداق مشکوک و مظنون چیست؟ آیا باید احتیاط کند و آن را در فهرست سیاه قرار دهد یا برائت را جاری کند و حکم به جواز آن بدهد؟

فارغ از مبانی نظری اصالة الاحتیاط و اصالة البرائة، با توجه به اینکه، مشهور اصولیین امامیه در موارد شبهه مصداقیه در حرمت، اصالة البرائة را می پذیرند، در شبهه موضوعیه و شک نسبت به مجاز بودن یا عدم جواز یک مصداق محتوایی، حکم بر جواز آن داده می شود.

۳-۱۲. پایش از طریق نیروی انسانی

امروزه یکی از بدترین مشاغل فضای مجازی، فیلترینگ است؛ برای مثال، کارمندی که در کار فیلترینگ محتوایی در سایت گوگل هستند، عنوان بدترین شغل را در این کمپانی اینترنتی به خود اختصاص داده اند. یکی از کارمندان سابق گوگل در مورد داستان فیلترینگ می گوید: وی و همکارانش باید ساعت های زیادی در روز وقت خود را صرف دیدن محتوای وحشتناک مانند سر بردن افراد، صحنه های خودکشی، تصادف های وحشتناک مرگ بار، شوک دادن به

مردم و سوءاستفاده جنسی از کودکان می‌کردند. این کارمند تعداد تصاویر دیده‌شده در روز، زمانی که کارمند گوگل بوده را ۱۵ هزار عکس مستهجن و وحشتناک عنوان کرد که باید هر روز روی اورکات، بیکاسا و نتیجه عکس گوگل پیدا کرده و آن‌ها را مسدود کرد. او می‌گوید دیدن این تصاویر برای هرکسی وحشتناک است. این کارمند به دلیل اینکه تحت تأثیر قرار گرفته، توسط مأمور فدرال نصیحت شده که خود را برای معالجه به روان‌پزشک معرفی کرده و آزمایش موسوم به رورسچ^{۱۸} دهد. هرکسی که در این شغل استخدام می‌شود، فقط می‌تواند به مدت یک سال در این عنوان شغلی مشغول به کار باشد و نه بیشتر (روزبهرانی، ۱۳۹۳، صص ۳۳-۳۴).

با توجه به چنین وضعیتی، سؤال اساسی آن است که استفاده از نیروی انسانی در جهت رصد محتوای منکر و ضلال، در جامعه اسلامی جایز است؟ بر فرض جواز بر اساس اصل «الأهم فالأهم»، این نیروها باید چه ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی داشته باشند؟ آیا سن و وضعیت تأهل و میزان بینش عقیدتی و حتی وضعیت مزاحی آن‌ها در انتخابشان مؤثر است؟ آیا فرد مجرد یا عامی برای این کار مناسب است؟ شرایط کاری آن‌ها چگونه باید باشد؟ در کنار سؤالات فوق، با توجه به موضوع‌شناسی صورت گرفته، با توجه به ایجاد سایه‌روشن‌های جدی پالایش پویا و تحلیلی که در آن ماشین به جای انسان بر اساس الگوریتم‌های پیچیده و سطح حساسیت تعیین‌شده، پایش محتوا را انجام می‌دهد و عملاً نیاز به نیروی انسانی در این زمینه بسیار محدود می‌شود، آیا سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری نظام اسلامی نسبت به پالایش پویا واجب است یا نه؟ در چنین شرایطی استفاده از نیروی انسانی چیست؟

۱۳-۳. تکلیف والدین در نظارت بر فرزندان

آخرین نکته دینی و فقهی ما نسبت به پالایش، مسئله نظارت والدین بر فرزندان در فضای مجازی خود یک بحث مستقل است. همان‌طور که در بخش عامل پالایش گفته شده که هم حاکمیت و هم مردم در این عرصه مسئولیت دارند، به نظر می‌رسد که در بخش مردمی، نقش والدین با توجه به وظایفی که در اسلام نسبت به تربیت فرزندان دارند، مضاعف است (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). در این جهت ایجاد یک فضای سالم و کنترل‌شده برای رشد صحیح فرزندان توسط والدین لازم و ضروری است. همین نکته نسبت به سالم‌سازی فضای

مجازی نیز صادق است؟ سؤال آن است که ۱- والدین در سالم‌سازی فضای مجازی چه نقشی دارند؟ ۲- نسبت به چه بازه سنی فرزندان این نقش جاری و ساری است؟ در نهایت نیز، این سؤال مطرح است که نقش حاکمیت در مسلح کردن والدین به سلاح نظارت نسبت به فرزندان چیست؟

جمع‌بندی

همان‌طور که گفته شد اصل و جوب پالایش فضای مجازی به‌عنوان «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی» از طریق «وجوب نهی فعلی از منکر» و «حرمت تعامل با کتب ضلال» اثبات می‌شود؛ اما همین دو ادله شرعی، اقتضائات و پیشنهادهایی را در عرصه سیاستی برای فرایند و شیوه اعمال پالایش خواهند داشت. در مقام جمع‌بندی، ابتدا مروری بر پیشنهادهای سیاستی پالایش فضای مجازی از منظرگاه فقه خواهیم داشت و در نهایت، بر اساس مسئله‌شناسی فقهی صورت گرفته، پیشنهادهای پژوهشی‌ای نیز مطرح خواهد شد.

پیشنادهای سیاستی

۱. به نظر می‌رسد از منظر فقهی در دوگانه «خودپالایشی - دیگرپالایشی»، قائل به جمع باشیم و هر دو سنخ قابل استنباط باشد. دیگرپالایشی از دلیل نهی از منکر استنباط می‌شود که هر مسلمانی مکلف است با حفظ مراتب، دیگری را نهی از منکر نماید و خودپالایشی نیز از حرمت تعامل با ضاله قابل برداشت است که هرکسی مکلف است آنچه را که عنوان گمراه‌کنندگی بر آن صدق می‌کند، به وجود نیاورده و خود از بین ببرد؛ بنابراین اگر محتوایی در فضای مجازی بر روی وبگاه خویش داشت که گمراه‌کننده بود باید آن را حذف کند. همچنین نباید کاربران به دنبال محتوای گمراه‌کننده باشند.
۲. قدر متقین محتوایی که مورد پالایش باید قرار گیرد، محتوایی است که یقین به گمراه‌کنندگی آن وجود دارد.
۳. بازیگران عرصه پالایش هم حاکمیت است و هم مردم و هیچ‌یک از این دو جایگزین دیگری نمی‌شود. این نکته به‌ویژه در زمان حاضر به دلیل غفلت از نقش‌آفرینی

مردم و به‌ویژه خانواده‌ها اهمیت مضاعف دارد و باید دانست که پالایش ملی و حاکمیتی نمی‌تواند جایگزین پالایش خانگی شود.

۴. دارای مراتب دیدن پالایش فضای مجازی نکته‌ای است که از سلسله‌مراتب نهی از منکر قابل برداشت است. در پالایش فعلی غفلت جدی از فرایندهای هشدار و تذکر وجود دارد و صرفاً در خصوص وب‌گاه‌های ثبت‌شده و در قبال ارتباط‌گران اعمال می‌شود. این در حالی است که در تجارب کشورهای دیگر تذکر و هشدار چندباره پیش از پالایش پیاده‌سازی شده است که به‌نوعی متضمن حفظ کرامت انسانی نیز است؛ بنابراین توجه بیشتر به نهی زبانی و ارتقای سواد رسانه‌ای پیش از پالایش لازم و ضروری است.

۵. حریم خصوصی به‌عنوان یک حق شرعی پذیرفته شده، ما را به اتخاذ پالایش در سمت ارتباط‌گر و دوری جستن حداکثری از پالایش در سمت ارتباط‌گیر رهنمون می‌کند. از آنجاکه لازمه پالایش در مجرا و ارتباط‌گیر، رصد و تجسس نسبت به کلیه درخواست‌های کاربران، دارای ملاحظات شرعی جدی است.

۶. بر اساس دلیل حرمت تعامل با کتب ضلال، پالایش محتوای مجرمانه و نه مسدودسازی تارنما یا شبکه اجتماعی باید در دستور کار قرار گیرد.

۷. اگر بپذیریم ضلال بودن محتوا امری است که نسبت به قشرهای مختلف کاربران متفاوت است، آنگاه سیاست «پالایش رده‌بندی‌شده کاربرمحور» به شکل جدی قابل طرح است. این مسئله به‌ویژه از باب وجود شائبه ظالمانه بودن پالایش یکسان همه کاربران بدون توجه به ظرفیت‌ها و نیازهای آن‌ها مورد تأمل بیشتر است.

۸. بر اساس اصل برائت، نظام پالایش در قبال محتوای مشکوک و مورد اختلاف، سیاست عدم پالایش را در پیش می‌گیرد. همین اصل شرعی، ابتنای پالایش فهرست سیاه و نه فهرست سفید را نیز به اثبات می‌رساند. البته در خصوص کودکان و نوجوان می‌توان قضیه را متفاوت در نظر گرفت.

۹. در دوگانه «ماشینی - انسانی» بودن رصد و پایش، بر اساس چارچوب فقهی، در اولویت بودن سامانه‌های پایش ماشینی را مورد توصیه اکید دارد و سرمایه‌گذاری حاکمیت اسلامی در این عرصه را لازم می‌داند. در صورت ضرورت نیز استفاده از نیروی انسانی همراه

با لحاظ کردن شرایط و ویژگی‌هایی که در اوست، تأثیرپذیری از رصد محتوای ناسالم را به حداقل برساند.

۱۰. در نهایت نیز می‌توان گفت از منظر شرعی، نقش اساسی حوزه پالایش در عرصه کودکان و نوجوانان به عهده والدین آنهاست و حاکمیت وظیفه دارد، زمینه نقش آفرینی آنها را فراهم کند.

پیشنهادهای پژوهشی

در پایان این مقاله نیز چهار موضوع پژوهشی جهت انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

۱. محتوای پالایش: گمراهی یا گمراه‌کنندگی؟

این موضوع ناظر به محتوای پالایش است و این سؤال را مطرح می‌کند که در پالایش هر نوع محتوای باطل و گمراهی پالایش می‌شود یا تنها محتوای باطل و گمراهی پالایش می‌شود که خاصیت گمراه‌کنندگی را نیز داشته باشد. توضیح بیشتر آنکه الزاماً هر محتوای گمراهی، گمراه‌کننده نیست، بلکه بطلان آن، چنان عیان است که خود موجب تضعیف جبهه باطل می‌شود.

۲. احتمال تأثیر پالایش و صنعت پالایش‌گریزی

در این موضوع، مسئله آن است که با توجه به موضوع‌شناسی مفصلی که در عرصه پالایش‌گریزی باید صورت پذیرد و ترسیم وضعیت موجود مصرف پالایش‌گریزی، آیا پالایش حاکمیتی و ملی به‌عنوان نهی فعلی از منکرات در فضای مجازی دارای احتمال تأثیر است یا نه دیگر اثری بر آن مترتب نیست؛ به بیان دیگر، بررسی تأثیرات مثبت پالایش فضای مجازی علی‌رغم صنعت پالایش‌گریزی مسئله این موضوع است.

۳. پالایش و وهن شریعت

مسئله‌ای که در این پژوهش وجود دارد آن است که با توجه به مشکلات و چالش‌هایی که پالایش فضای مجازی دارد؛ از جمله پراشتباه بودن، امکان دور زدن و ...، آیا وجود آن به‌عنوان یک نهی از منکر، وهن شریعت تلقی می‌شود یا نه؟ یعنی اعمال آن با توجه به مشکلات آن سبب می‌شود که آن‌چنان ذهن کاربران و روان آن‌ها آسیب ببیند که منجر به نگاه منفی آن‌ها نسبت به شریعت شود یا نه؟

۴. محتوا محوری یا کاربرمحوری در پالایش فضای مجازی

این موضوع پژوهشی نیز تأکید دارد که طبق شریعت اسلامی یک محتوا برای همه کاربران پالایش می‌شود یا بسته به اینکه کاربر کیست، باید از پالایش متفاوتی برخوردار باشد. بر همین اساس، اگر کاربرمحوری مطلوب است، از منظر چه ملاک‌هایی در رده‌بندی کاربران باید مدنظر باشد؟

یادداشت‌ها

1. Filtering

2. Channel

۳. بنابراین، طبق این تعریف، پالایش در مرحله تولید اطلاعات توسط «ارتباط‌گر» یا «فرستنده» اعمال نمی‌شود. همچنین پالایش در مرحله دریافت اطلاعات توسط «ارتباط‌گیر» یا «گیرنده» پیاده نمی‌شود.

4. Blocking

5. Space

6. Cyber

۷. دقت شود که معادل مجازی در اینجا، «virtual» نیست. شاید جهت خلط نشدن این واژه با سایبر، معادل فارسی فضای سایبری بهتر باشد.

8. Computer Mediated Communication (CMC)

9. Imaginary

10. Virtual place

11. Imaginary place

12. Digitalization

13. Feedback

14. Mediated environment

۱۵. تعامل، لفظی عام است که شامل تولید، حفظ، نسخ، تدریس و مطالعه و ... می‌شود.

۱۶. برای آگاهی بیشتر از مباحث نظری حریم خصوصی رک. اسماعیلی، ۱۳۹۱، صص ۲۹۵-۳۰۳.

17. Blocking

18. test rorsch

کتابنامه

قرآن کریم.

اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱)، گفتارهایی در حقوق رسانه، تهران: نشر شهر، ج ۱.

افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۰)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی مطالعه موردی: جامعه مجازی ایرانیان (کلوب)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۸ق)، کتاب المکاسب، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ج ۱. بل، دیوید (۱۳۹۰)، نظریه پردازان فرهنگ سایبری (رایا فرهنگ)، ترجمه مهدی شفیعیان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۲ق)، مصباح الفقاهه، بیروت: دارالهادی، ج ۱. روزبهانی، محمدرضا (۱۳۹۳)، جایگاه فقهی و حقوقی فیلترینگ (محدودیت) در رسانه‌های مجازی از دیدگاه مناهب خمس، تهران: کتاب آوا.

شاه قاسمی، احسان (۱۳۸۵)، «مروری بر زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات»، مجله جهانی رسانه، شماره ۲، پاییز و زمستان. شکرخواه، یونس (۱۳۷۰)، «واژه‌نامه پژوهش‌های ارتباطی و رسانه‌ای»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۰)، رویکرد دوفضایی به آسیب‌ها، جرائم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۵)، «دیجیتالی شدن به سبک ایرانی و ایرانی شدن به سبک دیجیتال»، رسانه، سال هفدهم، شماره سوم، پیاپی ۶۷، صص ۲۵-۴۸. فریدونی، فرانک (۱۳۸۷)، «درآمدی بر دانش واژگان هنرهای چندرسانه‌ای»، هنر، شماره ۷۸، صص ۲۹۶ - ۳۲۰.

فضلی، مهدی (۱۳۸۹)، مسئولیت‌گیری در فضای سایبر، تهران: انتشارات خرسندی. قانع، احمدعلی (۱۳۹۱)، کتب ضالّه؛ رویکردی فقهی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع). کوثری، مسعود، شاه قاسمی، احسان (۱۳۸۸)، «تعاملی بودن در بازی یارانه‌ای، فراخوانی به خدمت»، تحقیقات فرهنگی، سال دوم، شماره ۷، پاییز، صص ۱-۱۹.

مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۹۷. محقق نراقی، احمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مشهد: مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - لإحياء التراث.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۵ق)، انوار الفقاهة؛ کتاب التجارة، قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین (ع).

مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۹)، *نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: همشهری.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۸)، *ترجمه تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.

نجفی، محمدحسن (بی‌تا)، *جواهر الکلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

Bell, David & Loader, Brian D. & Pleace, Nicholas & Schuler, Douglas (2004), *Cyberculture; The Key Concepts*, Routledge: New York.

Greenfield, Paul & Rickwood, Peter & Tran, Huu Cuong (2001), *Effectiveness of Internet filtering Software Products*, CSIRO.

Kung, Lucy & Picard, Robert G. & Towse, Ruth (2008), *The internet and the mass media*, Los Angeles: Sage.

Mopris, William (1982), *The American heritage dictionary of the English language*, Boston: American Heritage Publishing Co., Inc.

Nayar, Pramod K. (2010), *The new media and cybercultures anthology*, West Sussex: Wiley-Blackwell.

Rafaeli, S. (1988), "Interactivity: From new media to communication", *Sage Annual Review of Communication Research: Advancing Communication Science*, Vol. 16:110-134.

Summer, Della (2008), *Longman dictionary of contemporary English*, Essex: Pearson.

Tavani. Herman T. (2007), "Regulating cyberspace concepts and controversies", *Library Hi Tech*, Vol. 25 No. 1, pp. 37-46.

Wehmeier, sally (2005), *Oxford advanced learner's dictionary of current English*, Oxford: Oxford university press, 7th edition.